

خویشاوندان ما

افغانستان از منظر مقام معظم رهبری دام‌پله





بسم الله الرحمن الرحيم

خویشاوندان ما

رهیافتی به منظومه فکری مقام معظم رهبری دام ظلّه

پیرامون پیوند های ایران و افغانستان



به همت خانه اندیشه ولایت استان بوشهر

ویرایش اول



فهرست

مقدمه	۴
ارتباط ایران و افغانستان	۵
نقش ملت افغانستان در انقلاب اسلامی ایران	۵
میهمان نوازی مردم ایران از افغانستان:	۶
خویشاوند و هم‌خانه بودن ایران و افغانستان	۶
افغانستان؛ کشور برادر، هم‌زبان، هم‌دین، هم فرهنگ	۷
افغانستانی آباد، امن و باثبات به نفع همه‌ی منطقه	۹
تحریک کردن طالبان علیه ایران	۹
بیعت با مقام معظم رهبری دام‌زله	۱۰
تایید و قبول ارتباط با حزب وحدت افغانستان	۱۲
بنده‌ی حقیر به شماها [فاطمیون] افتخار می‌کنم	۱۳
ظرفیت های کشور و ملت افغانستان:	۱۵
تدین و خدمات مردم افغانستان به اسلام	۱۵
افغانستان دارای ثروت طبیعی و انسانی	۱۶
مجاهدین و ظرفیت آنها در بازسازی کشور	۱۶
ذخایر ارزشمند انسانی و اعتقادات عمیق اسلامی	۱۶
مشکلات کشور افغانستان:	۱۸
دخالت و نفوذ خارجی	۱۸
عدم همراهی خواص با رهبران	۱۹
ناشکری نسبت به نعمت اسلام	۱۹
رواج فرهنگ غربی	۲۰
راه حل مشکلات افغانستان	۲۲
اعتماد، اتحاد، یکپارچگی	۲۲
افغانستان یعنی همه شیعه، سنی و اقوام آن	۲۳



۲۳	لزوم وحدت در بین سیاسیون و دستگاه های سیاسی افغانستان
۲۴	نباید برای وحدت شرط بگذارید
۲۴	دین و مذهب، کاهش دهنده نفوذ بیگانه
۲۴	تمسک به دین، مقاومت و قدرت الهی
۲۵	هوشیاری، دشمن شناسی و زمان شناس بودن
۲۵	راضی نشدن به حکومت لاییک [و سکولار]
۲۶	لزوم صداقت مسئولان افغانستانی
۲۷	هدایت مردم توسط علما
۲۷	لزوم آمادگی علما افغانستان برای حکومت
۲۸	لزوم مراقبت از مرز ها
۲۹	اشغال افغانستان
۲۹	نانوانی آمریکا در فهم فرهنگ افغانستان
۲۹	هدف آمریکا، آرامش نداشتن منطقه
۳۰	تنفر مردم منطقه خصوصا مردم عراق و افغانستان از آمریکا
۳۰	فرار آمریکا از افغانستان
۳۲	خاتمه
۳۲	شعر: نماهنگ هم‌دین و هم‌زبان
۳۲	شعر: شهری به نام غزنه و کابل نمانده است
۳۳	مساله اختلاف بر سر آب رودخانه هیرمند
۳۳	دستور رهبر انقلاب درباره دانش آموزان افغانستانی
۳۴	عیادت آیت الله آصف محسنی به [نماینده ملت افغانستان] از رهبر انقلاب انقلاب



مقدمه

در عصری که مرزهای جغرافیایی بیش از هر زمان دیگری به ابزارهای رقابت و جدایی بدل شده‌اند، بازخوانی پیوندهای عمیق و تمدنی میان ملت‌هایی که ریشه در یک فرهنگ، زبان و تاریخ مشترک دارند، ضرورتی مضاعف می‌یابد. ایران و افغانستان، نه تنها همسایه‌اند، بلکه دو ملت هم‌خون، هم‌دین و هم‌فرهنگ‌اند که در کوران قرن‌ها، در غم و شادی و جهاد و علم، همگام و همراه بوده‌اند. نگاه جمهوری اسلامی ایران به افغانستان، نه از منظر مصلحت‌گرایانه دیپلماتیک، بلکه بر پایه‌ی یک فهم تاریخی و اعتقادی از مفهوم امت اسلامی شکل گرفته است؛ نگاهی که در مواضع و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به روشنی و مکرر بازتاب یافته است.

متن حاضر، تلاشی است برای تبیین این حقیقت مغفول‌مانده که ملت شریف افغانستان، نه تنها در انقلاب اسلامی ایران نقش‌آفرین بوده‌اند، بلکه همواره در قلب و جان ملت ایران جای داشته‌اند. از همراهی طلاب افغانی در مبارزات پیش از انقلاب تا نقش‌آفرینی مجاهدان فاطمیون در دفاع از حرم اهل بیت، از پیوندهای دیرپای علمی و دینی تا تعاملات سیاسی پرمضمون، آنچه در این سطور آمده، ترسیم سیمای واقعی خویشاوندی است که در شعارها نمی‌گنجد و در خط‌مشی‌های گذرا نمی‌گسلد.

این نوشتار، علاوه بر بازخوانی نقش مردم افغانستان در تحولات انقلاب اسلامی ایران، نگاهی تحلیلی به ظرفیت‌های فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و انسانی ملت افغانستان دارد و در عین حال با رویکردی نقادانه، به چالش‌های پیش روی این ملت عزیز نیز می‌پردازد. امید آن است که این بازخوانی تاریخی و راهبردی، دریچه‌ای بگشاید به آینده‌ای مشترک و باثبات برای دو ملت بزرگ ایران و افغانستان، آن‌چنان‌که شایسته‌ی این خویشاوندی عمیق و تاریخی است.



ارتباط ایران و افغانستان

نقش ملت افغانستان در انقلاب اسلامی ایران

شاید کمتر بدانیم که افغانی‌ها، در انقلاب اسلامی نقش داشته‌اند. این نقش، به‌ویژه به علت همسایگی خراسان با سرزمین افغانستان، در بیان شخصیتی که رهبر انقلاب اسلامی است بیشتر از هر کسی شنیدنی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تعریف کرده‌اند که «چون من قبلاً در خراسان بوده‌ام و این استان با افغانستان هم‌مرز است، قبل از انقلاب دائماً رفت و آمد و ارتباط داشتم. به علاوه از طریق طلاب افغانی مقیم مشهد، در جریان مصایب افغانستان بوده‌ام».^۱

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، من با آقایان افغانی‌های مبارز، دوست بودم.^۲

[این دوستی به‌گونه‌ای بود که در دوران مبارزه با پهلوی برنامه پیاده‌کردن سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای با عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی» را برعهده گرفتند. یکی از شاگردان آیت‌الله خامنه‌ای که بعدها معاون حزب وحدت اسلامی افغانستان شد در این باره می‌گوید: "ما یک دوستی داشتیم به نام سیدحیدر محمودی. ایشان نویسنده بود، شاعر بود و متفکر بود. ایشان وظیفه گرفت که این سخنرانی‌ها را خلاصه کند. شش سخنرانی پیاده شد و ایشان خلاصه کردند و بردند خدمت آقا، آقا پسندیدند. بعد گفتند کار را به همین ترتیب شما ادامه بدهید. نوارهای سخنرانی را آقا آدرس دادند از یک مغازه‌ای به نام سعید، برو از آنجا بگیر. رفتیم آنجا بسیار با ترس و لرز رفتیم. می‌ترسیدیم از ساواک. نوارها را گرفتیم و بعد آن دوست ما پنج - شش نوار را خلاصه کرد و خدمت آقا برد و آقا هم پسندیدند. بعد از مدتی ساواک به ما حمله کرد. هشت نفر از رفیقان ما را گرفتند و ما فرار کردیم به افغانستان و این کار ناتمام ماند."^۳

^۱ ۱۳۶۸/۰۷/۱۱

^۲ ۱۳۶۹/۰۸/۲۹

^۳ نشریه خط حزب الله شماره ۳۳



میهمان نوازی مردم ایران از افغانستان:

جمهوری اسلامی ایران برخلاف برخی کشورها از جمله آمریکا و انگلیس، همواره با مردم افغانستان با دید احترام، برادری و مهمان‌نوازی برخورد کرده است و از هیچ کمک فنی، مهندسی و زیرساختی برای بهره‌برداری افغانستان از منابع طبیعی خود دریغ نخواهد کرد.^۴

خویشاوند و هم‌خانه بودن ایران و افغانستان

الاخره ما با همه‌ی کشورهای مسلمان -چه آنهایی که همسایه‌ی ما هستند، چه آنهایی که با ما یک مقدار فاصله دارند و دورند- احساس خویشاوندی میکنیم، اما قضیه‌ی شما افغان‌ها، قضیه‌ی دیگری است؛ بحث خویشاوندی هم نیست، بحث هم‌خانگی است از همه جهت. خداوند ان‌شاءالله شماها را محفوظ بدارد و ان‌شاءالله شماها را از این وضعی که بر کشورتان سایه افکنده، نجات بدهد. وضع بدی است.^۵

دو ملت مسلمان ایران و افغانستان مشترکات دینی و فرهنگی زیادی با هم دارند. ملت سربلند ایران، مردم پُرتلاش و مقاوم افغانستان را برادر خود می‌داند و بر این اساس، به عنوان یک تکلیف شرعی، پیوسته از مبارزات بحق مردم مسلمان افغانستان حمایت کرده است.^۶

ایران، تاجیکستان و افغانستان کشورهای خویشاوند هستند که مصالح هر سه کشور در گرو همکاری بسیار نزدیک و اجرایی کردن توافق‌های انجام شده، است. ایران، تاجیکستان و افغانستان کشورهای خویشاوند. در دنیا هیچ کشوری همانند ایران، تاجیکستان و افغانستان وجود ندارد که دارای اینچنین مشترکاتی از لحاظ زبان، دین، همسایگی، فرهنگ و موارث تاریخی باشند.^۷

^۴ ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

^۵ ۱۳۷۴/۰۲/۰۴

^۶ ۱۳۷۱/۰۷/۰۷

^۷ ۱۳۸۹/۰۵/۱۴



کشورهای همسایه از رشد و توسعه و ثبات و امنیت یکدیگر بهره‌مند می‌شوند و هنر مسئولان دو کشور این است که از اشتراکات عمیق و وسیع فرهنگی، اعتقادی و زبانی دو ملت ایران و افغانستان برای گسترش همکاری‌ها بهره بگیرند.^۸

افغانستان؛ کشور برادر، هم‌زبان، هم‌دین، هم فرهنگ

افغانستان کشور برادر ما است؛ هم‌زبان، هم‌دین، از لحاظ فرهنگی هم‌فرهنگ؛ و واقعاً مشکلات افغانستان و مصیبت‌های افغانستان انسان را بشدت متأثر میکند. این حوادثی که دارد پی‌درپی پیش می‌آید، این حادثه‌ی روز پنج‌شنبه^۹ این کشتارها، این مشکلات، این سختی‌هایی که اینها میکشند، اینها کار آمریکا است. بیست سال آمدند افغانستان را اشغال کردند و در این بیست سال انواع و اقسام ظلمها را به افغانها کردند؛ مجلس عزایشان را، مجلس عروسی‌شان را بمباران کردند، جوانهایشان را کشتند، عناصر فراوانی از اینها را بی‌جهت به زندانهای گوناگون انداختند، ده‌ها برابر -چندده برابر- تولید مواد مخدر را در افغانستان افزایش دادند؛ این کارها را کردند، یک قدم هم برای پیشرفت افغانستان برنداشتند؛ یعنی افغانستان امروز از لحاظ پیشرفتهای مدنی و پیشرفتهای عمرانی و مانند اینها از آن زمان اگر عقب‌تر نباشد جلوتر نیست؛ یعنی هیچ کار نکردند. حالا هم که دارند می‌روند با این فضاقت [همراه است]؛ وضع فرودگاه کابل، این اجتماع مردم و این مشکل. آن کسانی از افغانها را که می‌برند -آن کسانی که در این سالهای طولانی به‌اصطلاح با اینها همکاری میکردند- و میخواهند از افغانستان خارج کنند، گزارشهایی وجود دارد که وضع آنجایی که اینها را می‌برند از افغانستان بدتر است؛ مشکلات فراوان در آن مراکزی که اینها را دارند آنجا اسکان میدهند [وجود دارد]؛ این وضع آمریکا است.

^۸ ۱۳۸۵/۰۳/۰۶

^۹ اشاره به حمله‌ی انتحاری در اطراف فرودگاه کابل -تحت مراقبت نیروهای آمریکایی- که به کشته شدن بیش از ۱۶۰ نفر و مجروح شدن تعداد بیشتری منجر شد.



به هر حال در مورد افغانستان ما طرفدار ملت افغانيم؛ دولتها می آیند و میروند؛ انواع و اقسام دولتها در این سالها در افغانستان سر کار آمده اند. دولتها می آیند و میروند، آن که باقی میماند ملت افغانستان است؛ ما طرفدار ملت افغانستان هستیم. نوع رابطه‌ی ما با دولتها هم به نوع رابطه‌ی آنها با ما بستگی دارد. و امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال خیر مقدر بفرماید برای مردم افغان و آنها را از این وضعیّت نجات بدهد و ان شاء الله وضعشان را به بهترین وجهی قرار بدهد و تفضّلات خودش را بر آنها نازل کند و بر ما ان شاء الله.

دعا میکنیم خداوند ملت ایران را موفّق کند؛ مشکلات را برطرف کند و دعا میکنیم که شما مسئولین محترم دولت جدید در کارهایی که در پیش گرفته اید موفّق بشوید، بر مشکلات فائق بیایید، بتوانید ان شاء الله آنچه را گفتید عمل کنید و مردم را از مشکلاتشان خلاص کنید و مردم را از خودتان راضی کنید ان شاء الله. رضایت مردم ان شاء الله رضایت خداوند



متعال را هم در پی خواهد داشت؛ نیت‌های خالص و نیت خدمت، نیت خدایی ان‌شاءالله به شما کمک خواهد کرد. رحمت خدا بر شهدای عزیزمان، رحمت خدا بر امام بزرگوارمان و رحمت خدا بر همه‌ی بندگان که در راه حق و برای خدا کار کردند و تلاش کردند^{۱۰}.

افغانستانی آباد، امن و باثبات به نفع همه‌ی منطقه

وجود افغانستانی آباد، امن و باثبات به نفع همه‌ی کشورهای منطقه است و دولت و دیگر مسئولان ایرانی، ضمن ادامه‌ی کمک به حرکت ملت افغانستان برای دستیابی به پیشرفت و ثبات کامل، گسترش همه‌جانبه‌ی مناسبات با این کشور را به طور جدی پیگیری می‌کنند^{۱۱}.

وجود یک افغانستان باثبات و پیشرفته در همسایگی ایران به تأمین منافع اسلامی و ملی ایران کمک می‌کند^{۱۲}.

تحریک کردن طالبان علیه ایران

در شرق کشور ما، طالبان توسط خودِ امریکاییها سازماندهی شده بودند. آنها از لحاظ فکری، اعتقادات سلفی داشتند و با شیعه، ایران، انقلاب اسلامی و امام هم سخت دشمن بودند. ما این موضوع را می‌دانستیم و مشهود بود و گزارشهای فراوانی در مورد آن داشتیم. چند سال قبل در زمان ریاست‌جمهوری من، آن زمانکه وضع در افغانستان طور دیگری بود، یک شخصیت عرب متّصل به محافل بالای عربی، همین‌جا در آستان قدس به من گفت: «تهدید بعدی شما از طرف افغانستان است. کسانی را از طرف افغانستان علیه شما تحریک می‌کنند». نتیجه آن شد که طالبان را خودِ امریکاییها

^{۱۰} ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

^{۱۱} ۱۳۸۳/۱۱/۰۷

^{۱۲} ۱۳۸۲/۰۳/۲۸



سازماندهی و تغذیه کردند؛ موشک‌های پیشرفته ضد‌هوایی در اختیارشان گذاشتند و تا مدّتها به حمایت از آنها می‌پرداختند.^{۱۳}

بیعت با مقام معظم رهبری دام‌زله

در تاریخ ۲۰/۰۳/۱۳۶۸ به منظور تسلیت ارتحال حضرت امام خمینی (قدّس سرّه الشّریف) و تبریک انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انقلاب اسلامی، رهبران شورای ائتلاف هشت‌گانه‌ی مجاهدین افغانستان^{۱۴} (شامل: سازمان نصر افغانستان، پاسداران جهاد اسلامی افغانستان، جبهه‌ی متحد اسلامی افغانستان، نیروی اسلامی افغانستان، حزب‌الله افغانستان، حزب الدّعوة اتّحاد اسلامی افغانستان، حرکت اسلامی افغانستان، نهضت اسلامی افغانستان) به ایران آمده بودند. آن‌ها در این دیدار، مطالب مهم و قابل تأملی را با مقام معظم رهبری در میان گذاشتند. در ادامه، سخنان یکی از شرکت‌کنندگان ناشناس ارائه خواهد شد:

یکی از حضّار:

رحلت جان‌گداز رهبر کبیر و عظیم‌الشّأن انقلاب اسلامی را به پیشگاه امام زمان و حضرت‌عالی و بیت شریف ایشان و حوزه‌های علمیّه و تمام مسلمین تسلیت عرض میکنیم.

رحلت امام برای هر مسلمانی جان‌گداز است امّا برای ما و ملّت مظلوم و به خون کشیده‌ی افغانستان -که حرکت را با الهام از دستورات حضرت امام شروع کردیم و اینک در نیمه‌راه هستیم -جان‌گداز است. ما بسیار آرزو داشتیم که انقلاب اسلامی افغانستان به پیروزی برسد و مهاجرین دور از وطن به خانه و کاشانه‌ی خود برگردند و جشن پیروزی انقلاب را بر پا داریم و امام عزیز قدمهای مبارکشان را روی چشم ما بگذارند و مهمان ما باشند و همان‌طوری که در غمها

^{۱۳} ۱۳۸۲/۰۱/۰۱

^{۱۴} شورای ائتلاف هشت‌گانه مجاهدین افغانستان، یکی از مهمترین تشکلهای مقاومت در دوران جنگ علیه اشغال شوروی (دهه ۱۹۸۰) بود. اغلب احزاب شیعه با تشکیل حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری در سال ۱۹۸۹ جذب آن شدند و پس از آن حزب وحدت به عنوان نماینده اصلی هزاره‌های افغانستان درآمد.



و مصیبت‌های ما شریک بودند و سهم عمده را داشتند، در شادی ما هم شریک باشند، اما تقدیرات الهی چنین مجالی را به ما نداد.

تصویری که حضرت امام از موفّقیت و پیروزی یک فرد یا جمعی از مسلمانان ارائه داد، راه را به ما نشان داد. امام فرمودند: ما موظّفیم عمل کنیم و وظیفه‌ی خود را انجام بدهیم، نتیجه مال خدا است. و این راه روشن در پیش روی ما است و ما به امید خداوند و استمداد از روح مطهّر و بزرگ ایشان به وظایف خود عمل میکنیم و امیدواریم که روزی هم به نتیجه برسیم .

انتخاب شایسته و به‌جا و مناسب حضرتعالی از سوی مجلس محترم خبرگان به‌عنوان رهبر جمهوری اسلامی مرهمی بر قلب داغدار و تپنده‌ی همه‌ی مسلمین -از جمله ملّت افغانستان- بود و ما این انتخاب را تبریک عرض میکنیم و آماده‌ایم که با جان و دل و با کمال میل و اخلاص، از دستورات حضرتعالی به‌عنوان ولیّ امر مسلمین و ولیّ فقیه اطاعت کنیم و تا آخرین قطره‌ی خون و آخرین نفّس، در جهت اجرای اوامر حضرتعالی -که بی‌گمان اوامر خداوند بزرگ است و از آنجا سرچشمه میگیرد- تلاش کنیم و در جهت جامه‌ی عمل پوشاندن به آرمانهای متعالی حضرت امام به جهاد و مبارزه‌ی خود ادامه دهیم. ما اعضای شورای ائتلاف به نمایندگی از اکثریت قاطع شیعیان افغانستان در این لحظه‌ی مهم با شما "بیعت" میکنیم و امیدواریم ان‌شاءالله پیروان و فرمان‌برداران خوبی برای حضرتعالی در جهت آرمانهای اسلامی باشیم.

(برای دیدن منبع کلیک کنید)





تأیید و قبول ارتباط با حزب وحدت افغانستان

شورای ائتلاف را هم که ما تلاش کردیم آن روز تشکیل بشود، به همین نیت بود که همکاری و وحدت باشد. آن روز هم بعضی از برادران، اشکال ایجاد میکردند. خیلی از شماها در آن جلسه حضور داشتید و خاطرتان است که من با بعضیها اوقات تلخی کردم؛ برای خاطر این که دیگر وقتی قرار است کاری بر وتیره‌ی صحیحی انجام بگیرد، بایستی بر مباحثات فایق آمد.

کار را باید انجام بدهید. با طول بحث و جدل و بگوومگو، مصلحت کار تفریط نشود. حالا هم که من احساس میکنم شما آقایان، چه آن کسانی که از داخل آمده‌اند، چه کسانی که در این جا بوده‌اند، متفق هستید که شورای ائتلاف را به یک وحدت سازمانی و تشکیلاتی تبدیل کنید - حزب وحدت، معنایش این است دیگر - من موافقم، کار خوبی است؛ مشروط بر این که گروه‌گراییها دیگر دخالت نکند. البته این کار، یک مقدار به نصیحت حل میشود، یک مقدار هم به نصیحت حل نمیشود و بایستی جمعی را به عنوان داور بی‌طرف بگذارید که اگر در جایی گروه‌گرایی مشاهده شد، با آن مقابله کند.

من این کار را تأیید میکنم و ارتباط آن با خودم را قبول مینمایم. جناب آقای ابراهیمی را که مورد اعتماد من هستند و با قضایای افغانستان هم کاملاً آشنا شده‌اند، کما فی‌السابق به عنوان رابط میگذارم. آن جمع شش نفری، اصلش را من قبول میکنم. اگر افراد با انتخابات و به شکل معقول و قابل دفاعی انتخاب شده باشند، حق است و ما موافقیم. یعنی شش نفر باشند که در همه‌ی امور سیاسی و شرعی، قِمه‌ی تشکیلات باشند و کارها به آنها مراجعه بشود. آنها هم با نماینده‌ی ما ارتباط مستمر و تنگاتنگی داشته باشند. البته ارتباط با بدنه هم باید محفوظ باشد. هم وزارت خارجه، هم سپاه، هم جناب آقای ابراهیمی، باید ارتباط با بدنه را برقرار داشته باشند که نباید غافل از بدنه شد. ممکن است در آن جا حرفی، نظری و یا بحثی باشد؛ اما به نظر ما، آن جمع بالا چیز



مثبتی است. ما به طور قاطع نمیگوییم این کار را بکنید، اما اگر شما آقایان قبول و تصدیق کردید و آن را خواستید، ما تأیید میکنیم؛ کار خوبی است^{۱۵}.

بندهی حقیر به شماها [فاطمیون] افتخار می کنم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز؛ خداوند ان شاء الله که شهدای عزیز شما را با پیغمبر محشور کند؛ با شهدای صدر اسلام محشور کند. «برادران و خواهران عزیز افغانی و خاوری‌های مشهد و خراسان و اینها در همه‌ی مراحل انقلاب اسلامی نقش ایفا کردند؛ هم در خود اصل انقلاب، پیروزی انقلاب، هم در دفاع مقدس و دوران جنگ تحمیلی، هم در همه‌ی حوادث بعدی، حالا هم که در قضیه‌ی دفاع از حریم‌های اهل بیت، این جوان‌های مثل دسته‌ی گل، پدر مادرها این جوان‌ها را فرستادند برای دفاع از حریم اهل بیت. و من به شما عرض بکنم، شهدایی که در این راه به شهادت میرسند یک امتیازی دارند، یک رجحانی دارند.

این فرزندان شما در واقع جان خودشان را سپر قرار دادند برای اینکه دست این بدخواهان و این خبیث‌ها به حرم اهل بیت نرسد. لذا شأن اینها شأن بسیار بالایی است. البته برای پدرها و مادرها و همسرها و فرزندها سخت است؛ مسلم است که خیلی سخت است اما این سختی را برای خدا تحمل میکنید و ان شاء الله خدای متعال چشم شما را روشن خواهد کرد به لطف خود، به فضل خود.

همه حاضر نیستند فداکاری بکنند، همه حاضر نیستند فداکاری کنند. آن کسانی که فداکاری می‌کنند برجستگان امت‌اند. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به شماها اجر بدهد و شهدای عزیزتان را ان شاء الله با شهدای صدر اسلام محشور کند، با شهدای انقلاب، با شهدای کربلا ان شاء الله محشور کند.



خدا ان شاء الله شما را خیر بدهد، آنها را هم خیر بدهد و همه‌ی شماها را ان شاء الله مشمول رحمت خودش قرار بدهد. همین قدر برادرها و خواهرها بدانند که بنده‌ی حقیر به شماها افتخار می‌کنم؛ این را بدانید.^{۱۶}

لینک کوتاه دیدار خانواده شهدای افغانستانی مدافع حرم لشکر فاطمیون



پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای



ظرفیت های کشور و ملت افغانستان:

تدین و خدمات مردم افغانستان به اسلام

ملت افغانستان ملت مسلمان است؛ شیعه و سنی اش فرقی نمیکنند، شیعه اش هم مسلمان است، سنی اش هم مسلمان است؛ مسلمانهای متعصب و پایبندی هم هستند. همیشه تمسک شرق عالم اسلام از غرب عالم اسلام نسبت به اسلام بیشتر بوده. شما این تمسکی را که به اسلام در این نقاط از آسیا، در ایران و افغانستان و ترکستان و مانند اینها نگاه میکنید، هرگز در آفریقا - آن مناطق غربی عالم اسلام - این جور چیزی را دنیای اسلام تجربه نکرده. این هم یک علل تاریخی ای دارد؛ شما نگاه کنید محدثین اسلام، علمای اسلام از صدر اول تا حالا، شاید صدی شصت هفتاد آنها، مال همین منطقه ی شرقند. این چیز کوچکی نیست؛ یعنی الان شاید بعضی از این مناطق ۱۲۰۰ سال، بعضی ۱۱۰۰ سال، بعضی ۱۳۰۰ سال است که با اسلام انس گرفته اند؛ اسلام جزو فرهنگ اینها است. دو روز این کمنده حکومت مارکسیستی در منطقه ی ترکستان ضعیف شد، شما ببینید آنجا چه خبر است. در این منطقه ی شمال خراسان و افغانستان در این چند جمهوری، هفتاد سال، هشتاد سال کمنده این نظام دیکتاتوری و استبداد مارکسیستی بالای سر آن مردم بود، یک ذره که شل شد، شما ببینید ازبکستان چه جور است، قرقیزستان چه جور است، آن یکی دیگر چه جور است؛ مردم مسلمانند.

مردم شما هم از اعماق وجود مسلمانند، مسائل سیاسی و مانند اینها درجه ی دوم است.

۱۷

افغانستان یک کشور مسلمان است؛ یک ملت مسلمان خالص، با سوابق دیرین در فرهنگ اسلامی. آن قدری که ملت افغانستان در فرهنگ اسلامی حق دارد یعنی کتابهای حدیث و تفسیر و فقه و تاریخ و مانند اینها در طول این قرنهای متمادی از افغانها صادر شده، چند برابر آن مقداری است که کشورهای مغرب اسلامی توانسته اند به وجود



بیاورند؛ یعنی تولید اسلامی ملت افغانستان یکی از تولیدهای درجه‌ی یک محسوب میشود که بسیار باارزش است؛ یعنی این ملت در فرهنگ اسلامی و در موارث اسلامی دارای حق است. یک ملتی با این خصوصیات که کشورش کشور اسلامی است، قاعدتاً حکومتش هم حکومت اسلامی خواهد بود.^{۱۸}

افغانستان دارای ثروت طبیعی و انسانی

افغانستان از دو نعمت بزرگ ثروت‌های طبیعی و ثروت انسانی برخوردار است که با بهره‌برداری مناسب از این ثروت‌ها، می‌تواند به پیشرفت‌های خوبی دست یابد.^{۱۹}

مجاهدین و ظرفیت آنها در بازسازی کشور

باید قدر مجاهدین را دانست و از آنان در حرکت برای بازسازی و پیشرفت افغانستان استفاده کرد.^{۲۰}

ذخایر ارزشمند انسانی و اعتقادات عمیق اسلامی

افغانستان به رغم تلاش‌هایی که برای عقب ماندن این کشور صورت گرفته، با توجه به ذخایر ارزشمند انسانی و اعتقادات عمیق اسلامی مردم این کشور، می‌تواند با وحدت و همدلی همه‌ی اقوام به جایگاه شایسته‌ای دست یابد.^{۲۱}

مردم افغانستان، آزاده، شجاع و بسیار بااستعدادند و از فرهنگ بسیار عمیق و قدیمی برخوردارند. ما مردم افغانستان را می‌شناسیم و قرن‌ها با هم زندگی کرده‌ایم. ما میدانیم

^{۱۸} ۱۳۶۸/۰۷/۱۱

^{۱۹} ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

^{۲۰} ۱۳۸۳/۱۱/۰۷

^{۲۱} ۱۳۸۲/۰۳/۲۸



اینها مردم بسیار بااستعدادی هستند. هیچ چیزِ اینها از مردم دیگر دنیا کمتر نیست؛ خیلی چیزهایشان بیشتر هم هست^{۲۲}.



مشکلات کشور افغانستان:

دخالت و نفوذ خارجی

افغانستان بر اثر دخالت‌های بیگانه یا حکومت‌های منحرف در دهه‌های اخیر بسیار عقب‌مانده است، اما ملت افغانستان با بنیه قوی فرهنگی، استعداد درخشان و سخت‌کوشی مثال‌زدنی می‌تواند راه پیشرفت را طی کند؛ به شرط آن‌که آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها دست از مداخله در افغانستان بردارند.^{۲۳}

دولت افغانستان نیز باید مراقب باشد که بازسازی بهانه نفوذ سیاسی و فرهنگی دیگران نشود.^{۲۴}

قبل از کودتای بیست‌وچند سال پیش، کسانی که در رأس قدرت بودند، وابسته به قدرتهای بزرگ بودند. بعد هم که کمونیستها بر سرکار آمدند، وابسته به شوروی بودند. بعد هم که خود مردم میدانند و میبینند. در این اواخر، همیشه سرنوشت مردم افغانستان را دخالت قدرتها رقم زده است. دلیل فقر و عقب‌ماندگی مردم افغانستان اینهاست؛^{۲۵}

دشمنان اسلام در تلاش هستند تا با هدف ایجاد اختلاف در میان مردم نقشه‌هایی را که در ایران تعقیب میکردند در افغانستان نیز به اجرا در آورند و قومیت‌های مختلف را در مقابل هم قرار دهند. دل دشمنان ما آکنده از بغض و کینه نسبت به اسلام و مسلمانان است، لذا با ترفندهای گوناگون در صدد تأمین اهداف شوم خود هستند و این امر هوشیاری هر چه بیشتر امت اسلام را طلب میکند.^{۲۶}

^{۲۳} ۱۳۸۵/۰۳/۰۶

^{۲۴} ۱۳۸۰/۱۲/۰۶

^{۲۵} ۱۳۸۰/۰۷/۰۴

^{۲۶} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳



عدم همراهی خواص با رهبران

اگر خواص امری را که تشخیص دادند به موقع و بدون فوت وقت عمل کنند، تاریخ نجات پیدا میکند و دیگر حسین بن علی ها به کربلاها کشانده نمیشوند. اگر خواص بد فهمیدند، دیر فهمیدند، فهمیدند اما با هم اختلاف کردند؛ کربلاها در تاریخ تکرار خواهد شد. به افغانها نگاه کنید! در رأس کار، آدمهای حساسی بودند؛ اما طبقه‌ی خواص منتشر در جامعه، جواب ندادند. یکی گفت ما امروز دیگر کار داریم. یکی گفت دیگر جنگ تمام شد. ولمان کنید، بگذارید سراغ کارمان برویم؛ برویم کاسبی کنیم. چند سال، همه آلاف و اُلوف جمع کردند؛ ولی ما در جبهه‌ها گشتیم و از این جبهه به آن جبهه رفتیم. گاهی غرب، گاهی جنوب، گاهی شمال. بس است دیگر! خوب؛ اگر این گونه عمل کردند، همان کربلاها در تاریخ، تکرار خواهد شد^{۲۷}!

ناشکری نسبت به نعمت اسلام

دین از سیاست جدا نیست. اسلام؛ حکومت، امارت، خلافت، بیعت، جهاد، جنگ، صلح، سیاست، مالیات، تدبیر امور مردم و آموزش و پرورش را - که اینها همه از شؤون حکومت است - از دین دانسته است. کتابهای فقهی ما - چه کتب فقهی شیعه، چه کتب فقهی اهل سنت - را باز کنید و ببینید که همه‌ی ابواب امور زندگی در این کتب هست. اینها همه سیاست است و دین، متکفل همه‌ی اینهاست. نگویند که علما بروند در مساجد خودشان و مسأله‌شان را بگویند؛ سیاستمداران هم می‌دانند کشور را چگونه اداره کنند! خیر؛ سیاستمداران اگر خودشان علمای بالله و علمای دینند، حکم خدا را در باب سیاست می‌دانند. اما اگر نیستند، باید از علمای دین ارشاد بخواهند و حکم خدا را سؤال کنند و به آنچه که آنها گفتند عمل نمایند. دین باید بر کشورهایی که به برکت دین در آنها انقلاب شده و مسلمانان به پیروزی رسیده‌اند، حکومت کند^{۲۸}.

^{۲۷} ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

^{۲۸} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳



در افغانستان، همین حضور اسلامی، دولت شوروی را با آن عظمت و ارتش چند میلیونی - که از لحاظ حجم و تجهیزات، ارتشِ اوّل دنیا بود - مجبور به بیرون رفتن کرد. البته بعد، برادران افغانی این نعمتِ الهی را ناشکری کردند؛ «الم تر الى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا». برادران افغانی ما گوش کنند! مبدا این آیه شامل حالشان باشد: «الم تر الى الذين بدلوا نعمت الله كفرًا و احلّوا قومهم دارالبوار(۱)». برادران افغانی مواظب باشند! تا به حال ناشکری کردند؛ به جنگ داخلی روی آوردند و اختلاف و بگش بگش راه انداختند. بلایی بر سر شهرهای خودشان آوردند که روسها و کمونیستها نیاورده بودند. باید عملشان را اصلاح کنند و به راه حقّ و حساب برگردند. فراموش نکنند، این اسلام بود که توانست آنها را بر شوروی پیروز کند.

باری؛ در بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، به برکت همین احساسِ هویت و بیداریِ اسلامی که این انقلاب به وجود آورد، امروز جمعیت‌های اسلامی حضور دارند، قوی‌اند و برای خودشان آینده دارند. اگر بگذارند، احتمال دارد دولت هم تشکیل دهند.^{۲۹}

رواج فرهنگ غربی

مراکز سلطه ضمن مخالفت با مظاهر فرهنگ اسلامی مردم افغانستان تلاش می‌کنند با رواج فرهنگ غربی در این کشور، زمینه‌های سلطه‌ی دائم بر افغانستان را فراهم آورند که باید با هوشیاری این طرح را خنثی کرد.^{۳۰}

^{۲۹} ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

^{۳۰} ۱۳۸۲/۰۳/۲۸





راه حل مشکلات افغانستان

اعتماد، اتحاد، یکپارچگی

گروهها، اقوام و قبایل مختلف افغان باید با اعتماد به یکدیگر و اتحاد و یکپارچگی، افغانستان را به سمت ثبات کامل، آرامش عمیق و پیشرفت و سازندگی به پیش برند^{۳۱}.

افغانستان تنها با وحدت گروه ها و نیروهای اسلامی است که می تواند به پیروزی دست یافته و کار را به انجام رساند. امروز مشکل اصلی اختلاف و هدف عمومی باید وحدت باشد. اتحاد و یکپارچگی مجاهدین مسلمان افغانستان تنها یک تاکتیک و استراتژی نیست بلکه یک اصل اسلامی است^{۳۲}.

الْبَتَّةَ مِنْ بَعْضِ مَا عَرَضَ بَعْنَمُ، شَمَا نَخَوَاهِدُ تَوَانِسْتُ جِهَادَ بَكْنِید مَگر آن وقتی که مَتَّحِدْ بَشَوِید؛ تَنَهَا، حَتَّى ارَادَهی جِهَادِ هَمْ دَر اِنْسَانِ ضَعِیفِ مِیشُود. اِین «تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» وَ «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ» کِه دَر کِنَارِ اِیْمَانِ وَ عَمَلِ صَالِحِ گِذاشْتِه شَدِه، (۴) اِین بیهودِه نِیست. «تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» بَه خَاطِرِ اِین اِست کِه اِنْسَانِ، تَنَهایی ارَادَه اش سِست مِیشُود، بَاید وَصِیَّتَش کِنند مَرْتَبْ بَه پَایداری؛ «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ» بَه خَاطِرِ اِین اِست کِه اِنْسَانِ هَمِیْشِه دَر خَطَرِ گَم کُردن رَاه اِست، بَاید وَصِیَّتَش کِنند مَرْتَبْ بَه حَقِّ؛ بِنَابَرِ اِین اِین دُو، دُو رَکَن اِست، مِثْل اِیْمَانِ وَ عَمَلِ صَالِحِ؛ اِی بَسَا کِسانی کِه اِیْمَانِ وَ عَمَلِ صَالِحِ دَاشتند [وَلِی] اِین دُو رَا نَدَاشتند، هَمه ی زَحْمَاتشان بَر بَاد رَفت. وَحْدَتان رَا حَفْظ کِنید، ارَادَه تان رَا قَوِی کِنید. اوّل دَر بَین خُودتان، بَه مَعْنای وَاقِعی کَلِمه بَا هَم بَاشِید؛ بَعْد دَر یَک جَمْع بَزَرگ تر، بَه مَعْنای وَاقِعی کَلِمه بَا هَم بَاشِید؛ [آن وقت] هَمه ی اِین گِرِه ها بَاز خَواهد شَد وَ خُدا کَمک خَواهد کُرد؛ مَا هَم شَمَا رَا، هَم دَعَا مِیکِنِیم، هَم غَیر از دَعَا هَر کَاری اِنْ شَاءَ اللّٰه از مَا بَرِیَاید [انجام مِیدِهیم]^{۳۳}.

^{۳۱} ۱۳۸۰/۱۲/۰۶

^{۳۲} ۱۳۶۸/۰۷/۱۱

^{۳۳} ۱۳۶۸/۰۴/۲۴



افغانستان یعنی همه شیعه، سنی و اقوام آن

ملت افغانستان هم یک گروه نیست، یک حزب نیست؛ ملت افغانستان مجموعه‌ای است که همه‌ی احزاب و همه‌ی گروه‌ها وقتی که دستشان را روی دست هم بگذارند، به نظر میرسد که اکثریت قاطع آن ملت را پشت سر خودشان داشته باشند- [البته] باز هم نمیشود یقین کرد که همه‌ی آن ملتند؛ ولی خب، اکثریت قاطعند- اما وقتی همه با هم باشند؛ یدُ الله معَ الجماعة. (۴) شاید ان شاءالله این هم‌صدایی و هم‌دستی را بتوانید ایجاد کنید. من از شما خواهش میکنم، شما تلاش خودتان را بکنید برای این کار که بلکه بشود با حفظ حقوق حقّی این بخش عظیم از ملت افغانستان که عبارت باشند از شیعه، و نیز حفظ حقوق حقّی آن دسته از برادران سنی که نماینده‌ای در آن جمع ندارند، ان شاءالله وحدت انجام بگیرد. اینجا وحدت و اتفاق، خودش یک هدف است که تا شما به این هدف نرسید، به آن هدف بعدی -که قدم دوم است- نخواهید رسید. ما هم برای شما دعا میکنیم؛ خدا ان شاءالله به شما توفیق بدهد؛ خداوند ان شاءالله که راه را تسهیل کند و آینده را برایتان روشن کند^{۳۴}.

لزوم وحدت در بین سیاسیون و دستگاه‌های سیاسی افغانستان

علاوه بر ایجاد وحدت در مردم و دادن پیام به مردم گوناگون -از اقوام مختلف و تیره‌های مختلف افغان، و مذاهب مختلف- که پیام آرام‌بخش وحدت باید باشد، در خود دستگاه سیاسی و تلاشگران سیاسی [هم] باید وحدت به وجود بیاید. اگر یک طرف هم احساس میکند که حقّ او دارد تضییع میشود، اغماض و تسامح و علاقه‌ی به وحدت را غلبه بدهد بر آنچه حقّ خودش میداند. همه باید تلاش کنند تا وحدت [ایجاد] بشود. البته این را هم من عرض بکنم ما، هم به برادران مستقر در پاکستان، هم به برادران مستقر در ایران، در طول چند سال گذشته -به‌خصوص در این یک سال اخیر- مکرراً [این را] گفته‌ایم که



افغانستان جز با وحدت گروه‌ها و نیروها نخواهد توانست به مقصود خودش دست پیدا کند. اگر کسی خیال کند با حذف این گروه یا آن دسته خواهد توانست کار را پیش ببرد، اشتباه میکند. امروز مشکل اصلی، مشکل اختلاف است. هدف عمومی اصلی باید ایجاد وحدت باشد. همه هم باید کمک بکنند. آنهایی که بزرگ‌ترند، بیشتر بایستی تلاش بکنند؛ آنهایی هم که کوچک‌تر هستند باید تلاش بکنند تا این وحدت ان‌شاءالله انجام بگیرد^{۳۵}.

نباید برای وحدت شرط بگذارید

نباید هم خودمان برای این وحدت، این قدر شروط و شرایط قایل بشویم که تحقق پیدا نکند. وحدت، وحدت است دیگر. همکاری، یعنی همکاری؛ و الا اگر همین موضوعی که حسنش این است که متفق علیه همه است، برایش شروط و موانع قایل شدیم و هر کسی از یک طرف سر درآورد و گفت نه، فلان جهت را هم باید رعایت کنید؛ آن یکی هم گفت، فلان جهت هست؛ این که دیگر وحدت نشد! باید بر مباحثات فایق بیایید^{۳۶}.

دین و مذهب، کاهش دهنده نفوذ بیگانه

هر قدر "هویت با صلابت ملی افغانستان" که با عشق به دین و مذهب آمیخته است، مستحکم‌تر شود، امکان نفوذ بیگانگان کمتر خواهد بود^{۳۷}.

تمسک به دین، مقاومت و قدرت الهی

تشکیل نظام اسلامی و برافراشته شدن پرچم اسلام در هر نقطه از جهان، برای استکبار جهانی گزنده و تهدیدکننده است. در دنیای ظلم و استکبار مادّیگری امروز، هجوم مشکلات به کشوری که بر اساس اسلام مبارزه کرده است، مسئله‌ی دورازانتظاری نیست، اما حلّ این مشکلات مستلزم اتّکال به قدرت الهی و مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی و ایادی آنها است^{۳۸}.

^{۳۵} ۱۳۶۸/۰۷/۱۱

^{۳۶} ۱۳۶۹/۰۱/۲۲

^{۳۷} ۱۳۸۰/۱۲/۰۶

^{۳۸} ۱۳۷۱/۰۷/۰۷



تبلیغات دنیای مادی ما را به دلیل برپاداشتن نماز، زکات، امر به معرف و و نهی از منکر، مرتجع مینامد. اما نباید تحت تأثیر چنین تبلیغاتی قرار بگیریم. تمسک به دین و استمداد از خداوند ما را پیروز کرد و همین امر علت بوجود آورنده و بقاء پیروزیهاست و اهمیت نقش علماء دین نیز از همین اصل اعتقادی ناشی میشود^{۳۹}.

حکومت، خلافت، بیعت، جنگ و جهاد، صلح، سیاست، مالیات، آموزش و تدبیر امور مردم همه از شئون دین مبین اسلام است و کتابهای فقهی شیعه و اهل سنت ابواب مختلف امور زندگی را تشریح کرده است. علماء دین به حکم خدا در زمینه سیاست آگاه هستند و سیاستمداران باید به آنچه که از سوی آنها تبیین میشود عمل کنند^{۴۰}.

هوشیاری، دشمن شناسی و زمان شناس بودن

هوشیاری مقامات دولت اسلامی افغانستان و رهبران مجاهدین در برابر فتنه‌انگیزی‌های دشمنان اسلام، امری ضروری و مورد تأکید است^{۴۱}.

اگر عالم به زمان نباشید در تشخیص راه صحیح اشتباه خواهید کرد. امروز آگاهی علماء از مطامع و اهداف استعماری و نیز استبداد قدرتهای جهانی علیه ملتهای ضعیف و کوچک یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای عمل به تکلیف الهی و شناخت راه درست از بیراهه‌هاست و برای این منظور علماء اسلام باید خود را با زمان تطبیق دهند و از معارف جهان فهم و درک صحیحی داشته باشند^{۴۲}.

راضی نشدن به حکومت لاییک [و سکولار]

فقط اسلام را در همه‌ی این گروه‌ها و دسته‌جات مختلف حاکم کنید. در رأس آن هم شما آقایان که هر کدام بحمدالله جمعیتی را دنبال سر خودتان دارید - اعم از شیعه یا سنی - در جهت حکومت اسلامی، در جهت حاکمیت اسلام در افغانستان [تلاش کنید] و

^{۳۹} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳

^{۴۰} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳

^{۴۱} ۱۳۷۱/۰۷/۰۷

^{۴۲} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳



به کمتر از این هم بایستی قانع نشوید، راضی نشوید. یک حکومت لائیک، یک حکومت نسبت به مذهب بی‌طرف، مردم افغانستان را راضی نخواهد کرد؛ چهار روز می‌گذرد یک مشکل بزرگ‌تری به وجود می‌آید. حکومتی که دولتها و قدرتها و سیاستهای بزرگ بخواهند یک چیزی را هُل بدهند، درست کنند، به درد نمی‌خورد؛ [درست] میشود، اما چیز پایداری نیست. برای آن [جور حکومت] که دوازده سال مبارزه و جهاد و کشته شدن لازم نیست؛ خب آن را همه جور میشد درست کرد. این چیزی که محصول دوازده سال مبارزه‌ی ملت افغانستان است - که واقعاً کم‌نظیر است - [حاکمیت اسلام است]. ویتنام با آمریکا مگر چند سال مبارزه کرد؟ الجزایر با فرانسه مگر چند سال مبارزه کرد؟ شما از اینها بیشتر مبارزه کردید؛ طول مدّت مبارزه‌ی افغانستان بیشتر بوده. خب بایستی آنچه در نهایت به دست می‌آید، متناسب باشد. این یک نکته^{۴۳}.

لزوم صداقت مسئولان افغانستانی

اگر بخواهید به پیروزی برسید، باید این مردم دنبال سر شما باشند؛ اگر بخواهید این مردم دنبال سر شما باشند، راه آن، این است که مردم احساس ایمان و صدق و صفا بکنند در رهبران - که بحمدالله هست - شماها اهل دینید، اهل ایمانید - بعضی از علما، بعضی از غیر علما - به هر حال جزو کسانی هستید که در راه اسلام حرکت کرده‌اید؛ باید این احساس ایمان در رهبران به وسیله‌ی مردم در حدّ اعلیٰ باشد؛ شائبه‌ای به وجود نیاید، شائبه‌ی سیاسی‌کاری و شائبه‌ی این چیزها باید وجود نداشته باشد.

[اگر] مردم این را ببینند، دنبال شما هستند؛ تکیه‌ی شما هم فقط به نیروهای مسلّحتان نخواهد بود و آحاد مردم دنبال شما حرکت میکنند. و شما به این توجّه آحاد مردم احتیاج دارید، به کمک آنها احتیاج دارید؛ نیروی مسلّح شما وقتی در شهرها میتوانند کار کنند که مردم با آنها باشند، در روستاها همین‌طور. ان‌شاءالله فردا که شما پیروز شدید و



حکومت تشکیل دادید، اوّلِ دردسرِ شما است؛ آن وقت در حالی میتوانید مقابله کنید با دشمنی‌های دشمنان‌تان که مردم با شما باشند. مردم شما هم جز به ایمان به چیز دیگری و به جای دیگری دل نخواهند داد؛ اصل قضیه این است. باید اسلام را، آن اسلام همه‌جانبه را، آن ایمان خالص را، آن اخلاص لله را در کسانی که با شما همکاری میکنند، همفکری میکنند، کمک میکنند، تقویت بکنید. رفتارها، گفتارها، اظهارها، منطبق باشد با خطّ اسلامی؛ در این صورت البتّه مردم [با شما] هستند.^{۴۴}

هدایت مردم توسط علما

تکلیف سوم علما، هدایت مردم است. مردم، عیال اللهند. بر عهده‌ی علماست که آنها را ارشاد و هدایت کنند، در صحنه نگه دارند و تشویق به ادامه‌ی جهاد نمایند. مردم افغانستان خیال نکنند که پیروزی رسید و از فردا باب خیرات و برکات باز خواهد شد؛ خیر. زحمت دارد؛ سازندگی و تلاش و راندن دشمن لازم دارد؛ حفظ دوست و تشکیل قدرت و از همه بالاتر، وحدت لازم دارد. این‌جا می‌رسیم به دومین نکته‌ای که مورد نظر من است و آن، موضوع وحدت است.^{۴۵}

لزوم آمادگی علما افغانستان برای حکومت

علما اگر بخواهند در امور کشور دخالت داشته باشند، باید خودشان را آماده کنند. خیال نکنیم که اداره‌ی کشور مثل اداره‌ی یک مسجد در فلان شهر یا روستاست؛ خیر. اداره‌ی کشور، سخت است. هوشیاری لازم دارد؛ قوت اراده لازم دارد؛ فریب نخوردن لازم دارد؛ شناختن دشمن و شناختن دوست لازم دارد. دشمن، در لباس دوست ظاهر می‌شود و حرفهای فریبنده می‌زند. دشمن، انسان را تهدید و تطمیع می‌کند و می‌ترساند. انسان،

^{۴۴} ۱۳۶۹/۰۸/۲۹

^{۴۵} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳



اوضاع دنیا را باید بداند تا بتواند درست تصمیم بگیرد. علما به سرعت باید خودشان را با اوضاع جدید جامعه تطبیق دهند و از اوضاع جهان باخبر شوند. در حدیث است که «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس (۴)». اگر عالم به زمان نبودید، اشتباه خواهید کرد و راه را غلط تشخیص خواهید داد. باید عالم به زمان بود. پس، تکلیف علما، اولاً حفظ جهت دینی و راه مستقیم قرآن و سنت، و ثانیاً تطبیق خود با زمان و فهم معارف عصر است. باید بدانیم در دنیا چه می‌گذرد. اگر شناسیم؛ اگر ندانیم دور و برمان چه خبر است؛ اگر مطامع استعماری و اهداف استکباری و این استبداد جهانی را که امروز بر دنیا حاکم است، شناسیم و ندانیم که قدرتهای جهانی، استبداد به خرج می‌دهند و نسبت به ملتهای ضعیف و کوچک، دیکتاتوری می‌کنند؛ نخواهیم توانست به تکلیف خودمان عمل کنیم^{۴۶}

لزوم مراقبت از مرزها

آمریکایی‌ها به علت ناتوانی در درک فرهنگ عمیق ملت افغانستان فکر می‌کنند در این کشور جای پایی پیدا کرده‌اند، اما بدون شک ملت افغانستان سرانجام هویت ملی و عزت شایسته‌ی خویش را به دست خواهد آورد و بر سرنوشت خود کاملاً حاکم خواهد شد^{۴۷}.

^{۴۶} ۱۳۷۱/۰۷/۲۳

^{۴۷} ۱۳۸۳/۱۱/۰۷



اِشغال افغانستان

گیرم که چند تروریست در آنجا لانه کرده باشند - ما راست یا دروغ این را نمیدانیم؛ ادّعای امریکاییهاست - چرا باید گناه آنها به مردم افغانستان تسری پیدا کند؟ چرا مردم این کشور باید پایمال شوند؟^{۴۸}

نانوانی آمریکا در فهم فرهنگ افغانستان

آمریکایی‌ها به علت ناتوانی در درک فرهنگ عمیق ملت افغانستان فکر می‌کنند در این کشور جای پایی پیدا کرده‌اند، اما بدون شک ملت افغانستان سرانجام هویت ملی و عزت شایسته‌ی خویش را به دست خواهد آورد و بر سرنوشت خود کاملاً حاکم خواهد شد.^{۴۹}

هدف آمریکا، آرامش نداشتن منطقه

آنچه امروز برای سیاست آمریکا در این منطقه در درجه‌ی اوّل است، این است که این منطقه روی آرامش نبیند؛ دولتها و ملّتهای این منطقه به خودشان مشغول باشند تا به فکر معارضه‌ی با عامل خبیث استکبار در این منطقه یعنی صهیونیسم نیفتند. این یک هدف. یک هدف دیگر هم اینکه آمریکا حضور خودش را [در اینجا] توجیه کند. وقتی که در افغانستان ناامنی هست، آمریکا حضور خود را توجیه میکند که «بله، ما میخواهیم بیاییم اینجا که امنیّت را برقرار کنیم»، در حالی که ناامنی را خود آنها به وجود آورده‌اند، ناامنی را آنها به وجود آورده‌اند؛ حوادث افغانستان - با واسطه و بی‌واسطه - به وسیله‌ی عوامل آمریکا از بیست و چند سال قبل انجام گرفته؛ یعنی آنها بودند که موجب این کشتارهای به اسم مذهب در این منطقه شدند؛ حالا هم همان کار را دارند ادامه میدهند؛ میخواهند همیشه [منطقه] شلوغ باشد تا حضور خودشان را در اینجا تأمین کنند و مقاصد سیاسی و مقاصد اقتصادی خودشان را پیش ببرند. لعنت خدا بر استکبار، بر عوامل

^{۴۸} ۱۳۸۰/۰۷/۰۴

^{۴۹} ۱۳۸۳/۱۱/۰۷



استکبار، بر دولت خبیث و جنایت‌کار صهیونیسم و آمریکا و عوامل آنها، که مردم و مسلمانها را این جور نابود میکنند.^{۵۰}

تنفر مردم منطقه خصوصاً مردم عراق و افغانستان از آمریکا

مردم کشورهای این منطقه از آمریکا متنفرند؛ این را چرا نمیفهمند آمریکایی‌ها؟ شما آمریکایی‌ها در عراق جنایت کردید، در افغانستان جنایت کردید، آدم کشتید. آمریکایی‌ها در اوایل بعد از زوال صدام، به وسیله‌ی دستگاه‌های خبیثی مثل بلک‌واتر و مانند اینها، شاید بیش از هزار نفر دانشمند عراقی را ترور کردند و کشتند و از بین بردند؛ به خانه‌های مردم حمله کردند، مرد خانه را در مقابل همسرش، در مقابل فرزندانش روی زمین خواباندند و با چکمه صورتهای آنها را لگد کردند؛ شما از این کارها کردید. شما آمریکایی‌ها در افغانستان کاروان شادی عروسی را بمباران کردید؛ نه یک بار، نه دو بار، ده‌ها بار؛ مجلس عزا را بمباران کردید، شماها جنایت کردید، مردم از شماها متنفرند؛ مردم افغانستان، مردم عراق، مردم سوریه و نقاط دیگر^{۵۱}.

فرار آمریکا از افغانستان

یک نفری گفته بود که شهید سلیمانی برای دشمنانش خطرناک‌تر از سردار سلیمانی است؛ درست فهمیده بود؛ واقعاً همین جور است. آنهایی که دو سال پیش شهید سلیمانی را و شهید ابومهدی عزیز را و دیگر همراهانشان را به شهادت رساندند، فکر میکردند کار تمام شد؛ فکر میکردند که زدیم اینها را و تمام شد، خلاص شد. امروز وضع آنها را نگاه کنید ببینید در چه وضع و وضعیتی‌اند. وضع آمریکا را ببینید! از افغانستان آن جور فرار میکند.^{۵۲}

^{۵۰} ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

^{۵۱} ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

^{۵۲} فرار آمریکا از افغانستان به معنای پایان حضور نظامی ۲۰ ساله این کشور در افغانستان است که در ۳۰ اوت ۲۰۲۱ به طور کامل انجام شد. این فرار در پی توافق‌نامه‌ای بین ایالات متحده و طالبان در دوحه انجام شد که بر اساس آن، تمام نیروهای خارجی باید از افغانستان خارج می‌شدند. در این خروج سریع (فرار) نیروهای آمریکایی تجهیزات سنگین خود را جا گذاشتند و بسرعت افغانستان را ترک کردند.





خاتمه

شعر: نماهنگ هم‌دین و هم‌زبان

شعرخوانی شاعران فارسی زبان از کشورهای دوست و همسایه یکی از بخش‌های دیدار رمضانی شاعران با رهبر انقلاب در سال‌های گذشته بوده است. شعرای افغانستان به‌خاطر ارتباطات تاریخی، هم‌دینی و هم‌زبانی و هم‌فرهنگی میان ایران و افغانستان از مهمانان این دیدارها بوده‌اند.

برای دیدن نماهنگ کلیک کنید



شعر: شهری به نام غزنه و کابل نمانده است...

در شب ولادت حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام محفل شعرخوانی جمعی از شاعران کشور در حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برگزار شد. در این دیدار برخی از شعرای فارسی‌زبان به شعرخوانی پرداختند. آقای سید سکندر حسینی از شاعران افغانستان شعری خواندند :

...

غیر از کلاغ پیر نمانده‌ست یک نشان
شهر من است خلوت متروکه جهان

ما وارثان مرده غزنین و کابلیم
حالا شدیم لاشه برای درندگان



...

وقتی کتاب کهنه تاریخ زنده شد
سرگیجه می‌رود همه شهر، ناگهان

فصل مذاکرات سیاسی شروع شد
گویا علاج واقعه قبل از وقوع شد

برای دیدن کلیپ شعرخوانی آقای سید سکندر حسینی کلیک کنید



مساله اختلاف بر سر آب رودخانه هیرمند

چنین مسائلی نباید موجب نقار و گله‌مندی در روابط دو کشوری همچون ایران و افغانستان شود که مرز، فرهنگ و نیازهای مشترکی دارند^{۵۳}.

دستور رهبر انقلاب درباره دانش آموزان افغانستانی

سرانجام مشخص شد که به صورت مشخص و واضحی این دستور از سوی عالی‌ترین مقام نظام جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری صادر شده است: «هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرینی که به صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آنها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند».

این البته برای همه کسانی که روش و منش رهبر معظم انقلاب سر مساله «مهاجرین افغانستانی» را دنبال می‌کنند مساله عجیبی نیست. مرور فقط همین ۲ سال اخیر نشان



می‌دهد که رهبر انقلاب با دستور به «تکریم همه مهاجرین افغانستانی» و بیان جمله «تهران؛ خانه افغانستانی‌هاست»، مشخص کرده بودند که سیاست عالی نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با مهاجرین افغانستانی، همچنان طبق آرمان‌های اولیه انقلاب تدوین می‌شود و کم‌کاری‌ها و بدکاری‌های مدیریت بی‌آرمان و بوروکراتیکی که مهاجرین را به چشم «بیگانگان» نگاه می‌کند، انحراف از آرمان‌های انقلاب است و شخص رهبری جلوی این انحراف ایستاده است. و حالا این دستور، سند تضمین‌شده دیگری بر اولویت نگاه انسانی و اسلامی، در تصمیم‌گیران اصلی نظام جمهوری اسلامی است.

این دستور البته چند وقتی است که صادر شده است و چند ماه پیش نیز خلیل الله بابالو در دیدار معاون رئیس اجرایی دولت افغانستان با وزیر آموزش و پرورش که در ساختمان شهید رجایی برگزار شد به صورت کاملاً رسمی این دستور را اعلام کرد و در سایت آموزش و پرورش نیز این ماجرا منعکس شد، اما در بقیه رسانه‌های خبری بازتاب چندانی نیافت.

عیادت آیت الله آصف محسنی به [نمایندگی ملت افغانستان] از رهبر انقلاب
تعدادی از علما و شخصیت‌های شرکت‌کننده در همایش «علمای اسلام در حمایت از مقاومت فلسطین»، با حضور در بیمارستان محل بستری رهبر معظم انقلاب از حضرت آیت الله خامنه‌ای عیادت کردند.

در این دیدار، شیخ نعیم قاسم -معاون دبیرکل حزب الله لبنان- به نمایندگی از دبیرکل حزب الله لبنان و با ابلاغ سلام گرم آقای سید حسن نصرالله، سلامتی و طول عمر رهبر معظم انقلاب را از خداوند متعال مسألت کرد.

همچنین در این دیدار، آقایان علامه سیدساجد نقوی -از علمای پاکستان-، آیت الله آصف محسنی -از علمای برجسته افغانستان-، صدرالدین قپانچی -امام جمعه نجف اشرف-، سید علی فضل الله -از علمای لبنان-، احمد سامبی -رئیس‌جمهور سابق جزایر کومور-، شیخ احمدالزین -رئیس هیئت امنای تجمع علمای مسلمین لبنان-، شیخ عبدالناصر جبری -رئیس دانشکده الدعوة و از علمای لبنان-، شیخ عبدالغنی شمس‌الدین -دبیرکل



اتحادیه‌ی علمای جنوب شرق آسیا، شیخ علاءالدین زعتری -معاون مفتی اعظم سوریه- و اوزهان اصیل ترک -رئیس جنبش ملی گوروش حزب سعادت ترکیه- با اظهار خرسندی از سلامتی رهبر معظم انقلاب، بهبودی کامل و افزایش توفیقات ایشان در خدمت به جهان اسلام را از خداوند مسألت کردند.

